

بررسی تحلیل محتوای کتاب فارسی بخوانیم پایه ششم ابتدایی بر اساس عوامل ذهنی و شاخص‌های خلاقیت از نظر گیلفورد

جمال‌الدین کولایی نژاد^۱، کاظم حسنی^۲، صحرا فرامرزی^۳، فوزیه عبدی پور^۴، فاروق
عبدی پور^۵

تاریخ پذیرش: 1397/01/06

تاریخ وصول: 1396/09/17

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی محتوای کتاب فارسی (بخوانیم) پایه ششم ابتدایی بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد (حافظه شناختی، تفکر همگرا و واگرا و قضاوت ارزشیاب) انجام شده است. جامعه آماری شامل کل محتوای کتاب فارسی (متن و خودآزمایی) در سال تحصیلی 91-92 بود. ابزار گردآوری داده‌های این تحقیق نیز شامل فرم تحلیل محتوای محقق ساخته بود که بر مبنای شاخص خلاقیت گیلفورد تهیه شده است. روایی آن با اخذ نظرات اساتید برنامه‌ریزی درسی و روانشناسی تربیتی به دست آمده و پایایی ابزار پس از یکپارچه کردن و تعریف عملیاتی شاخص‌های خلاقیت گیلفورد و انتخاب 0/20 از محتوای کتاب مذکور با استفاده از آلفای کرباخ 0/85 برآورد شد. بررسی زمینه میزان تطبیق محتوا در متن با عوامل خلاقیت گیلفورد نشان داد که سطح شناختی با تبیین 0/94 از محتوای کتاب حاضر بیشترین اهمیت را داراست و بعد از آن تفکر واگرا 4/61 و تفکر همگرا 0/80 و قضاوت ارزشیاب با 0/23 کمترین درصد را به خود اختصاص دادند. در زمینه تطبیق خودآزمایی می‌توان گفت که تفکر واگرا با 40/7 حافظه شناختی با 31/48 تفکر همگرا 27/77 بیشترین درصد را به خود اختصاص دادند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در محتوا (متن) کتاب فارسی پایه ششم به حافظه شناختی توجه بیشتر و به سطوح بالای خلاقیت توجه کمتری شده است و در خودآزمایی‌ها، بیشترین توجه به تفکر واگرا شده است.

1. استادیار، علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی

2. استادیار، علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) k.hasanipnu.ac@gmail.com

3. کارشناس ارشد، آموزش ابتدایی، دانشگاه علامه طباطبائی Fozye_2012@yahoo.com

4. کارشناس ارشد، آموزش ابتدایی، دانشگاه علامه طباطبائی faramarzi@gmail.com

5. کارشناسی ارشد و پرورش کودکان پیش از دبستان دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی تهران
farogh_abdipoor@yahoo.com

واژگان کلیدی: تحلیل محتوا، اخلاقیت، الگوی اخلاقیت گیلفورد، کتاب فارسی (بخوانیم) پایه ششم ابتدایی

مقدمه

بی‌شک یکی از زیباترین ویژگی‌های انسان، قدرت آفرینندگی یا اخلاقیت اوست. به کمک همین ویژگی است که انسان می‌تواند اهداف آرمان‌گرایانه خود را پدید آورد و توانایی خود را شکوفا سازد (ویلیامز¹، 2014). در دنیای پیچیده کنونی که شاهد رقابت‌های بسیار فشرده جوامع مختلف برای دستیابی به جدیدترین تکنولوژی‌ها و منابع قدرت هستیم، افراد خلاق به‌مثابه گران‌بهارترین سرمایه‌ها از جایگاه بالا و ارزشمندی برخوردار هستند. در بررسی و مطالعه تحولات گسترده دو دهه آخر قرن بیستم، اخلاقیت به‌عنوان جوهره اساسی کلیه فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژی در نظر گرفته شده که عمیقاً ارکان نظام آموزشی را دگرگون کرده است. در بسیاری از کشورهای دنیا، تغییر جهت نظام‌های آموزشی از ارائه برنامه‌های صرفاً آموزشی به‌سوی برنامه‌های تربیت تفکر خلاق با تغییر محتوا در روش‌های آموزشی همراه بوده است. اکنون در آغاز هزاره سوم به جرئت می‌توان گفت اخلاقیت همان چیزی است که زندگی مدرن بشر متمدن را از زندگی انسان نخستین جدا می‌کند (سام خانیان، 1387). انسان برای خلق نشاط و پویایی در زندگی نیازمند نوآوری و ابتکار است تا انگیزه تنوع‌طلبی خود را ارضا کند. جامعه انسانی برای زنده ماندن و گریز از مرگ و ایستایی به تحول و نوآوری نیاز دارد (مهدوی‌پور، 1387). هدف مدارس ابتدایی باید آماده‌سازی دانش‌آموزان برای سازگاری مؤثر و مثبت با محیط باشد نه تعلیم و تربیت آنان به‌عنوان یک انسان کامل. این هدف بدین معناست که در مدارس ما عشق به یادگیری، موفقیت و همدلی، آگاهی اخلاقی، آشنایی با رسانه‌ها، سوادآموزی زیست‌محیطی، صلح و عدم خشونت، اخلاقیت، تخیل و کنجکاوی فکری در رأس برنامه‌های آموزشی قرار گیرد. تجدیدنظر در برنامه درسی یکی از بهترین راه‌هایی است که ما می‌توانیم بستر لازم را برای تحقق چنین هدفی فراهم کنیم (ولک، 2007).

چنانچه در یک نظام آموزشی کتاب درسی تنها منبع تدریس باشد و از طرفی در محتوای آن چیزی به‌عنوان شیوه‌های اندیشیدن یا پرورش اخلاقیت، منظور نشده باشد، مسلماً برای

دانش آموز فرصتی فراهم نخواهد شد تا از این چارچوب محدود کتاب درسی خود، پا را فراتر بگذارد و به دنیایی فراتر از محدوده تنگ برنامه درسی خود بیاندیشد. تدریس تفکر خلاق، یک راه مفید برای افزایش قابلیت ابتکار و خلاقیت است (آگوستو فرندز^۱ و همکاران، 2015). در پرورش زمینه تفکر علمی و خلاق باید این آمادگی را در دانش آموزان به وجود آوریم که بتوانند مسائل را بررسی کنند، آن‌ها را مشاهده کنند، خودشان مسائل را شناسایی و مشخص کنند و برای آن‌ها درصدد یافتن راه‌حل مناسب باشند. دانش آموز باید انتقاد سازنده از کار خویش و آثار دیگران را بیاموزد تا معیارهای رسیدن به تفکر خلاق را در خود بالا ببرد (استرنبرگ^۲، 2015).

مورد توجه قرار دادن خلاقیت در برنامه درسی مدارس و دانشگاه‌ها یک پدیده عمومی است و جایگاه آن برای معلمان، برنامه درسی و سیاست آموزشی به اندازه اهمیت آن در تجارت، صنعت و اقتصاد است (لال و گاملاش، 2008). از این رو سازمان‌های آموزشی از یک سو وظیفه فراهم آوردن زمینه رشد و پرورش خلاقیت و نوآوری و استفاده صحیح و جهت‌دار از استعدادها و توانایی‌های افراد را بر عهده دارند که این خود، زمینه‌ساز توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... در جامعه است و از سویی دیگر، برای پویایی نیازمند پرورش و بهره‌مندی از خلاقیت و نوآوری در سطح سازمانی هستند (پیرخائفی، 1379).

در دهه 1950 غرب شاهد شکل‌گیری یک موج علمی با هدف شناخت و پرورش خلاقیت بود که رهبری این جریان علمی را گیلفورد^۳ بر عهده داشت. خلاقیت مفهومی پیچیده است و نظریه‌پردازانی همچون گانیه، تورنسو و گیلفورد آن را از ابعاد مختلفی بررسی کردند. گانیه: خلاقیت را نوعی حل مسئله می‌داند. به نظر وی یک کشف بزرگ یا یک اثر هنری از فعالیت حل مسئله سرچشمه می‌گیرد (سیف، 1387). به ضرورت^۴ تفکر خلاق عبارت است از فرایند درک مسائل و مشکلات، حدس زدن و فرضیه ساختن در مورد کمبودها، ارزیابی و آزمون فرضیه‌ها و حدس‌ها، اصلاح و ارزیابی مجدد آن‌ها و بالاخره ارائه نتایج (سیف، 1387). نظریه گیلفورد که به الگوی ساخت هوشی شهرت دارد از سه

-
1. Augusto ferndes
 2. Sternberg
 3. Gilford
 4. Torrance

طبقه اصلی با نام‌های عملیات^۱، محتوا^۲ و فراورده^۳ تشکیل شده است که عملیات از مهم‌ترین فرایندهای هوش است که شامل فعالیت‌های زیر است:

حافظه شناختی: عبارت است از کشف یک سری حقایق و اصول کلی، تعاریف در متن و بازشناسی، دانستن و آگاه بودن (شعبان زاده چماچمایی، 1384). تفکر همگرا: تولید یک پاسخ واحد و قابل قبول. قضاوت ارزشیاب: قضاوت در مورد مناسب بودن اطلاعات یا تصمیمات. تفکر واگرا: تولید پاسخ‌های چندگانه و ابتکاری. گیلفورد، خلاقیت را تفکر واگرا دانسته و معتقد است که خلاقیت شامل عوامل یا مؤلفه‌های روانی^۴، انعطاف‌پذیری^۵، تازگی^۶، گسترش^۷ و ترکیب^۸، تحلیل^۹، سازمان‌دهی^{۱۰} و پیچیدگی^{۱۱} است (سیف، 1387). شاید به جرئت بتوان گفت که نظریه گیلفورد را می‌توان جامع‌ترین نظریه مربوط به خلاقیت دانست. در نظریه وی خلاقیت برحسب تفکر واگرا تعریف شده است. تفکر واگرا، ویژگی مهم خلاقیت است و با تفکر همگرا تفاوت محسوسی دارد. در تفکر همگرا نتیجه تفکر از قبل معلوم است؛ یعنی همیشه یک جواب درست یا غلط وجود دارد؛ اما در تفکر واگرا جواب قطعی وجود ندارد (سیف، 1388). مهم‌ترین عنصر جوهری وجودی ادبیات، خلاقیت و نوآوری است. سراسر شاهکارهای ادبی چه در عرصه شعر و چه در حوزه نثر چیزی به جز نوآوری و خوش‌فکری نیست. در کتاب فارسی^۱ بایستی فرصت زیادی برای پرورش تفکر و خلاقیت فراهم باشد تا بچه‌ها بتوانند از تجربیات و تخیلات خود به گونه‌ای خلاقانه استفاده کنند؛ لذا وجود بسیار پررنگ عامل خلاقیت در کتاب فارسی امری ضروری است. از آنجا که گیلفورد بیش از سایر نظریه‌پردازان به مقوله خلاقیت توجه داشته، برای تحلیل محتوای کتاب فارسی بخوانیم پایه ششم از نظریه وی استفاده شده است. کتاب درسی یکی از مهم‌ترین مراجع و منابع یادگیری دانش آموزان است؛ بنابراین ضرورت دارد، انتخاب

1. operation
2. content
3. product
4. fluency
5. flexibility
6. originality
7. elaboration
8. synthesizing
9. analyzing
10. organizing
11. complexity

محتوای درسی بر اصولی متکی باشد تا معلمان و اولیا که با تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان سرو کار دارند، بتوانند با پیروی از اصول، وظیفه خود را به نحو شایسته انجام دهند. از طرف دیگر چون تمامی دانش آموزان به ویژه دانش آموزان خلاق از سرمایه‌های ملی هر کشور به شمار می‌آیند، عدم توجه به آنان خسارت جبران‌ناپذیری به دنبال خواهد داشت.

در این پژوهش هدف این است که بدانیم تا چه اندازه محتوای کتاب حاضر با عوامل ذهنی و شاخص‌های خلاقیت نظریه‌ی گیلفورد مطابقت دارد؟ اهمیت تحقیق حاضر، در این است که کتاب بخوانیم پایه ششم می‌تواند وسیله و عامل مؤثری در تحقق تفکر خلاق در دانش آموزان شود؛ لذا محقق بر آن شد که به تحلیل محتوای این کتاب بپردازد تا بفهمد به چه میزانی محتوای کتاب حاضر بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد تألیف شده و تا چه حد دانش آموزان را به فعالیت و رسیدن به خلاقیت وامی‌دارد؛ بنابراین این کار می‌تواند راهکار-هایی را پیش روی مؤلفان و معلمان آموزش و پرورش قرار دهد، تا از این طریق مؤلفان کتاب-ها را با محتوای خلاق‌تر تألیف کنند و معلمان نیز بیش از اینکه به حافظه‌شناختی دانش آموزان توجه کنند، تفکر و اگرایی دانش آموزان را پرورش دهند.

کلجی و ابراهیمی مته کلایی (1393) در تحلیل محتوای کتاب درسی ریاضی پنجم ابتدایی از دیدگاه الگوی خلاقیت گیلفورد نشان دادند کتاب ریاضی پنجم ابتدایی به سطح حافظه‌واگرا و تفکر ارزشیاب کم توجه کرده است و بایستی تمهیداتی در این زمینه اندیشه شود. سلیمی و عصاره (1392) در پژوهشی با عنوان "تحلیل محتوای کتاب درسی علوم تجربی سال دوم راهنمایی بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد" نشان دادند که کتاب درسی علوم تجربی دوم راهنمایی تأکید بیش از حد به سطح حافظه‌شناختی و تفکر همگرا دارد و به تفکر واگرا و تفکر ارزشیاب در حد ضعیفی در آن توجه شده است.

شهمیر (1390) در پژوهشی با عنوان "تحلیل محتوای کتاب علوم تجربی دوره راهنمایی بر اساس عوامل بلسک" به این نتیجه رسید که بیشتر محتوای کتاب علوم تجربی دوره راهنمایی حافظه‌پرور است و خلاقیت را کمتر در دانش آموزان پرورش می‌دهد. رحمتی (1390) در "تحلیل محتوای کتاب فارسی پایه اول ابتدایی بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد" به این نتیجه رسیده است که بیشتر محتوای کتاب فارسی بخوانیم و بنویسیم پایه اول در حافظه‌شناختی قرار دارد و به سطح تفکر واگرا کمتر توجه شده است. شعبانزاده چماچمایی (1384) در پژوهشی با عنوان "تحلیل محتوای کتاب فارسی پایه دوم ابتدایی بر

اساس عوامل خلاقیت گیلفورد" به این نتیجه رسیده است که کتاب فارسی پایه دوم به ترتیب 95/93 درصد از نظر محتوا، 75/3 درصد از نظر تصویر و 67/98 درصد از تمرین‌ها و 58/53 درصد پرسش‌ها در پایین‌ترین سطح از سطوح اعمال ذهنی گیلفورد یعنی حافظه شناختی قرار دارد. تحقیقی توسط سیلور ادوارد¹ در دانشگاه ایالت کلرادو انجام شد که هدف آن مطالعه و بررسی پرسش‌ها و تکالیف کتاب علوم دوره ابتدایی از لحاظ تطبیق با عوامل خلاقیت گیلفورد بود وی در تحقیق خود نشان داد که پرسش‌ها و تکالیف درسی در کتاب‌های علوم دوره ابتدایی در آمریکا بیشتر روی سطح تفکر همگرا و واگرا متمرکز است؛ یعنی به یک میزان به این دو سطح توجه شده است (2000؛ به نقل از جهانگیر، 1390).

سرداری گرده (1381) در "بررسی تحلیل محتوای کتاب درسی علوم دوره ابتدایی در رابطه با اعمال ذهنی گیلفورد" نشان داد که محتوای کتب درسی دوره ابتدایی بیشتر به سطح حافظه شناختی توجه کرده است و میزان توجه به تفکر واگرا در حد ضعیف می‌باشد. همچنین تفکر ارزشیاب در محتوای کتاب دیده نشده است. در کل از نظر میزان خلاقیت، به ترتیب کتاب علوم تجربی دوم ابتدایی با 12 درصد در رتبه اول قرار دارد و به ترتیب علوم پنجم با 5 درصد، علوم سوم با 4/67 و علوم چهارم با 4/61 در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. رجیبی باغدار (1377) در تحقیقی تحت عنوان "بررسی تطبیقی محتوای کتاب فارسی سال‌های اول تا سوم دوره ابتدایی با شاخص‌های گیلفورد" به این نتیجه رسید که محتوای کتب از نظر تناسب با عوامل خلاقیت در حد ضعیف می‌باشد و بیشترین توجه به سطح دانش (حافظه شناختی) شده است.

با توجه به وجود مسأله‌ی بالا، این تحقیق با هدف تحلیل محتوای کتاب فارسی بخوانیم پایه ششم ابتدایی براساس عوامل ذهنی و شاخص‌های خلاقیت از نظر گیلفورد به اجرا درآمده است. برای رسیدن به این هدف، 1 سوال اصلی و 8 سوال فرعی به شرح زیر طرح شده است.

سؤال اصلی

تا چه اندازه محتوای و خودآزمایی کتاب فارسی بخوانیم پایه ابتدایی ششم، حافظه شناختی و شاخص‌های خلاقیت نظریه گیلفورد را تبیین می‌کند؟

سئوال‌های فرعی

- 1- میزان تطبیق محتوا در بعد متن درس کتاب فارسی بخوانیم پایه ششم با حافظه شناختی چقدر است؟
- 2- میزان تطبیق محتوا در بعد متن کتاب فارسی بخوانیم پایه ششم با تفکر همگرا چقدر است؟
- 3- میزان تطبیق محتوا در بعد متن کتاب فارسی بخوانیم پایه ششم با تفکر واگرا چقدر است؟
- 4- میزان تطبیق محتوا در بعد متن کتاب فارسی بخوانیم پایه ششم با قضاوت ارزشیاب چقدر است؟
- 5- میزان تطبیق محتوا در بعد خودآزمایی کتاب بخوانیم فارس پایه ششم با حافظه شناختی چقدر است؟
- 6- میزان تطبیق محتوا در بعد خودآزمایی کتاب فارسی بخوانیم پایه ششم ابتدایی با تفکر همگرا چقدر است؟
- 7- میزان تطبیق محتوا در بعد خودآزمایی کتاب فارسی بخوانیم پایه ششم با تفکر واگرا چقدر است؟
- 8- میزان تطبیق محتوا در بعد خودآزمایی کتاب فارسی بخوانیم پایه ششم با قضاوت ارزشیاب چقدر است؟

روش

در این تحقیق از روش تحلیل محتوا که از مجموعه مطالعات توصیفی است استفاده شده است. واحد تحلیل در این مطالعه، محتوای کتاب فارسی پایه ششم (متن و خودآزمایی) می‌باشد. واحد ثبت در این پژوهش جمله انتخاب شده است. برای تحلیل محتوای کتاب فارسی بخوانیم از یک طرح کدگذاری استفاده شده است. ابتدا محتوای دروس کتاب بخوانیم به دو قسمت متن و خودآزمایی تقسیم، سپس کلیه واحدها با عوامل خلاقیت گیلفورد مطابقت داده شده و در جدول مربوط ثبت شدند. درنهایت واحدها شمارش و شناسایی و سپس با تطبیق جمله به جمله متن دروس با عوامل خلاقیت گیلفورد توسط محقق،

فراوانی مربوط به آن به صورت جدول و درصد ثبت گردید تا مشخص شود که متن درس و بخش خودآزمایی کتاب با عامل خلاقیت گیلفورد چه مقدار مطابقت دارد. جامعه آماری شامل محتوای کتاب فارسی پایه ششم ابتدایی چاپ سال 91 است که دارای هفت فصل و 17 درس بود. در پژوهش حاضر جامعه و نمونه یکی است؛ ابزار گردآوری در پژوهش حاضر فرم محقق ساخته بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد است. محقق به منظور اعتباریابی (روایی صوری) ابزار تحقیق از نظرات و دیدگاه‌های صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت و اساتید دانشگاه علوم تربیتی و روان‌شناسی علامه طباطبائی استفاده کرده است. برای اندازه‌گیری میزان پایایی ابزار، از فرمول پایایی هولستی استفاده شده است. بدین منظور در مرحله عملیاتی، محقق 20 درصد از محتوای کتاب فارسی بخوانیم را انتخاب نمود و مفاهیم عملیاتی را طبق عوامل ذهنی و شاخص‌های خلاقیت گیلفورد، برای کدگذاران توضیح داد و به یکپارچه شدن در تحلیل مفاهیم و تعارف رسیده و در ادامه از کدگذاران خواسته شد تا نظرات و نتایج به دست آمده را در اختیار محقق قرار دهند و پس از آن محقق با استفاده از داده‌های به دست آمده، نتایج را در فرمول قرار داده و ضریب توافق بین آن‌ها در حدود 85 درصد به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی بالای ابزار اندازه‌گیری است. برای تجزیه و تحلیل داده از آمار توصیفی مانند فراوانی و درصد استفاده شده است.

یافته‌ها

جدول 1. وضعیت کلی محتوا کتاب فارسی بخوانیم پایه ششم ابتدایی با اعمال ذهنی گیلفورد

متغیر	اعمال ذهنی گیلفورد	فراوانی	درصد
محتوا	حافظه شناختی	818	94
	تفکر همگرا	7	0/008
	تفکر واگرا	40	0/046
	قضاوت ارزشیاب	2	0/0023

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول 1 از بین 867 عبارت مطرح شده در کتاب به ترتیب، 818 عبارت با 94 درصد مربوط به حافظه شناختی، 40 عبارت با 5 درصد مربوط به تفکر واگرا، 7 عبارت با 0.80 درصد مربوط به تفکر همگرا و 2 عبارت با 0.23 درصد مربوط به قضاوت ارزشیاب است.

جدول 2. وضعیت کلی خودآزمایی کتاب فارسی بخوانیم پایه ششم ابتدایی با اعمال ذهنی گیلفورد

متغیر	اعمال ذهنی گیلفورد	فراوانی	درصد
خودآزمایی	حافظه شناختی	17	31/48
	تفکر همگرا	15	27/77
	تفکر واگرا	22	40/70
قضاوت ارزشیاب	-	-	-

با توجه با اطلاعات مندرج در جدول 3، از 54 پرسش مطرح شده در کتاب فارسی بخوانیم پایه ششم تفکر واگرا با 22 پرسش 40/7 درصد، حافظه شناختی با 17 پرسش 31/48 درصد، تفکر همگرا با 15 پرسش 27/77 درصد را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین هیچ پرسشی قضاوت ارزشیاب را تبیین نمی‌کند.

جدول 3. فراوانی و درصد ویژگی‌های تفکر واگرا در محتوا (متن) درس و خودآزمایی

متغیر	ویژگی‌های تفکر واگرا	فراوانی	درصد
محتوای متن درس	انعطاف‌پذیری	24	60
	روانی	14	35
	اصالت	2	5
خودآزمایی	انعطاف‌پذیری	12	45/5
	روانی	8	36/3
	اصالت	2	9

در محتوای درس از بین 40 مورد از تفکر واگرا، به ترتیب 24 مورد با 60 درصد مربوط به ویژگی انعطاف‌پذیری، 14 مورد با 35 درصد مربوط به ویژگی روانی و 2 مورد با 5 درصد مربوط به ویژگی اصالت است. در خودآزمایی از بین 22 پرسش مطرح شده، 12 پرسش با 54/5 درصد مربوط به ویژگی انعطاف‌پذیری، 8 مورد با 36/3 درصد مربوط به ویژگی روانی و 2 مورد با 9 درصد مربوط به ویژگی اصالت است.

جدول 4. میزان تطبیق محتوای کتاب فارسی (بخوانیم) پایه‌ی ششم ابتدایی با اعمال ذهنی گیلفورد به

تفکیک فصول

متغیر	اعمال ذهنی گیلفورد	فراوانی	درصد
محتوای متن فصل اول	حافظه شناختی	87	90
	تفکر همگرا	2	2

متغیر	اعمال ذهنی گیلفورد	فراوانی	درصد
	تفکر واگرا	7	7/29
	قضاوت ارزشیاب	-	-
محتوای متن فصل دوم	حافظه شناختی	160	97/55
	تفکر همگرا	-	-
	تفکر واگرا	4	2/45
	قضاوت ارزشیاب	-	-
محتوای متن فصل سوم	حافظه شناختی	160	97/55
	تفکر همگرا	-	-
	تفکر واگرا	4	2/45
	قضاوت ارزشیاب	-	-
محتوای متن فصل چهارم	حافظه شناختی	160	97/55
	تفکر همگرا	-	-
	تفکر واگرا	4	2/45
	قضاوت ارزشیاب	-	-
محتوای متن فصل چهارم	حافظه شناختی	160	97/55
	تفکر همگرا	-	-
	تفکر واگرا	4	2/45
	قضاوت ارزشیاب	-	-
محتوای متن فصل پنجم	حافظه شناختی	123	98/4
	تفکر همگرا	2	1/6
	تفکر واگرا	-	-
	قضاوت ارزشیاب	-	-
محتوای متن فصل ششم	حافظه شناختی	118	90
	تفکر همگرا	1	0/76
	تفکر واگرا	10	7/69



متغیر	اعمال ذهنی گیلفورد	فراوانی	درصد
محتوای متن فصل هفتم	قضاوت ارزشیاب	1	0/76
	حافظه شناختی	180	96
	تفکر همگرا	1	0/53
	تفکر واگرا	5	2/67
	قضاوت ارزشیاب	1	0/53

محتوای هفت فصل کتاب فارسی بخوانیم پایه‌ی ششم از بین مولفه‌های اعمال ذهنی گیلفورد، بیشترین انطباق را با مولفه‌ی حافظه‌ی شناختی دارد. در این میان محتوای متن فصل پنجم با تبیین (98/4) حافظه‌ی شناختی، بیشترین همخوانی را با مولفه‌ی حافظه‌ی شناختی گیلفورد دارد. همچنین محتوای هفت فصل کتاب فارسی بخوانیم پایه‌ی ششم از نظر انطباق با مولفه‌های اعمال ذهنی گیلفورد بعد از مولفه‌ی حافظه‌ی شناختی، بیشترین همخوانی را با تفکر واگرا و به مقدار بسیار کمی با تفکر همگرا و قضاوت ارزشیاب دارد.

جدول 5. وضعیت خودآزمایی‌های تک تک فصول کتاب فارسی پایه ششم ابتدایی از نظر تطبیق آن بر اساس اعمال ذهنی گیلفورد

متغیر	اعمال ذهنی گیلفورد	فراوانی	درصد
خودآزمایی فصل اول	حافظه شناختی	4	50
	تفکر همگرا	1	12.5
	تفکر واگرا	3	37/5
	قضاوت ارزشیاب	-	-
خودآزمایی فصل دوم	حافظه شناختی	-	-
	تفکر همگرا	3	60
	تفکر واگرا	-	-
	قضاوت ارزشیاب	2	29
خودآزمایی فصل سوم	حافظه شناختی	2	29
	تفکر همگرا	3	42
	تفکر واگرا	2	29

متغیر	اعمال ذهنی گیلفورد	فراوانی	درصد
خودآزمایی فصل چهارم	قضاوت ارزشیاب	-	-
	حافظه شناختی	2	25
	تفکر همگرا	3	37.5
	تفکر واگرا	3	37.5
خودآزمایی فصل چهارم	قضاوت ارزشیاب	-	-
	حافظه شناختی	1	10
	تفکر همگرا	6	60
	تفکر واگرا	3	30
خودآزمایی فصل پنجم	قضاوت ارزشیاب	-	-
	حافظه شناختی	4	44/44
	تفکر همگرا	-	-
	تفکر واگرا	5	55/55
خودآزمایی فصل ششم	قضاوت ارزشیاب	-	-
	حافظه شناختی	2	29
	تفکر همگرا	2	29
	تفکر واگرا	3	42
قضاوت ارزشیاب	-	-	-

خودآزمایی هفت فصل کتاب فارسی بخوانیم پایه‌ی ششم از بین مولفه‌های اعمال ذهنی گیلفورد، بیشترین انطباق را با مولفه‌ی تفکر همگرا دارد. همچنین خودآزمایی هفت فصل کتاب فارسی بخوانیم پایه‌ی ششم از نظر انطباق با مولفه‌های اعمال ذهنی گیلفورد بعد از مولفه‌ی تفکر همگرا، انطباق بالایی با حافظه‌ی شناختی و تفکر واگرا دارد. خودآزمایی هفت فصل کتاب فارسی بخوانیم پایه‌ی ششم با مولفه‌ی قضاوت ارزشیاب بجز در خودآزمایی فصل دوم، انطباق ندارد.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش، هدف بررسی تحلیل محتوای کتاب فارسی بخوانیم پایه ششم بر اساس حافظه شناختی، تفکر همگرا، تفکر واگرا و قضاوت ارزشیاب گیلفورد بود. در مورد فرضیه "میزان تطبیق محتوای کتاب فارسی (بخوانیم) پایه ششم ابتدایی با سطوح حافظه شناختی، تفکر همگرا، تفکر واگرا و قضاوت ارزشیاب گیلفورد" نتایج نشان می‌دهد که از بین 867 عبارت مطرح شده در کتاب به ترتیب 818 عبارت با 94 درصد، مربوط به حافظه شناختی، 40 عبارت با 0/461 درصد مربوط به تفکر واگرا، 7 عبارت با 0/008 درصد مربوط به تفکر همگرا و 2 عبارت با 0/0023 درصد مربوط به قضاوت ارزشیاب است. با توجه به فراوانی‌های به دست آمده می‌توان استنباط کرد، در محتوای کتاب فارسی بخوانیم پایه ششم به سطوح حافظه شناختی توجه بسیار بالایی شده است. ولی به سطوح دیگر از جمله تفکر واگرا و تفکر ارزشیاب که اساس تفکر خلاق و انتقادی هستند، توجه لازم صورت نگرفته است و این امر نشان‌دهنده کم‌توجهی به این دو سطح، از سطوح خلاقیت گیلفورد است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کتاب حاضر کمتر می‌تواند، شرایط را برای بروز خلاقیت فراهم نماید.

در مورد فرضیه "میزان تطبیق فعالیت‌های (خودآزمایی) کتاب فارسی پایه ششم ابتدایی با سطوح حافظه شناختی، تفکر همگرا، تفکر واگرا و تفکر ارزشیاب" نتایج نشان می‌دهد که از 54 پرسش مطرح شده در کتاب فارسی بخوانیم پایه ششم 22 پرسش با 40/7 درصد مربوط به تفکر واگرا، 17 پرسش با 31/48 درصد مربوط به حافظه شناختی و 15 پرسش با 27/77 درصد مربوط به تفکر همگرا است. در حالی که هیچ پرسشی قضاوت ارزشیاب را تبیین نمی‌کند. میزان و درصد فعالیت‌ها در سطح تفکر همگرا، کم‌تر از تفکر واگرا و حافظه شناختی است و قضاوت ارزشیاب فاقد هرگونه فعالیت است. نتایج گویای این است که در پرسش‌های کتاب به تفکر واگرا بیشتر توجه شده است. با توجه به این می‌توان گفت در کتاب فارسی (بخوانیم) ششم ابتدایی بیشترین واگرایی در فعالیت‌های کتاب وجود دارد نه در محتوی. در نتیجه می‌توان گفت، در زمینه خودآزمایی به تفکر خلاق بیشتر از محتوای توجه شده است. اما متأسفانه جای تفکر ارزشیاب در خودآزمایی‌ها کاملاً خالی است و هیچ‌گونه توجهی به آن نشده است. با توجه به اینکه یکی از مهارت‌های فکری بسیار مهم

عصر حاضر، تفکر ارزشیاب است و جای آن در این کتاب بسیار خالی است، این می‌تواند یکی نارسایی‌ها و معایب بزرگ نظام آموزشی ما باشد.

این نتیجه با پژوهش رجبی باغدار (1377) در بررسی تطبیقی محتوای کتاب فارسی سال‌های اول تا سوم دوره ابتدایی با شاخص‌های گیلفورد با این نتایج که محتوای کتب از نظر تناسب با عوامل خلاقیت در حد ضعیف است و بیشترین توجه به سطح دانش (حافظه شناختی) شده است و با نتایج تحقیق رحمتی (1390) در تحلیل محتوای کتاب فارسی پایه اول ابتدایی بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد که بیشتر محتوای کتاب فارسی بخوانیم و بنویسیم پایه اول در حافظه شناختی منطبق است و به سطح تفکر واگرا کمتر توجه شده است، همسو است. همچنین با پژوهش کلیجی و ابراهیمی مته کلایی (1393)، سلیمی و عصاره (1392) و شه‌میر (1390) که نشان دادند به سطح حافظه واگرا و تفکر ارزشیاب کم‌تر توجه شده و بیشتر به سطح حافظه شناختی و تفکر همگرا توجه شده است و سرانجام بیشتر محتوای کتاب‌ها حافظه پرور است و خلاقیت را کمتر در دانش آموزان پرورش می‌دهند، نیز همخوانی دارد. در نتیجه، بازنگری در ساختار و محتوای کتاب درسی فارسی پایه ششم، و پیش‌بینی محتوایی که بتواند مهارت خلاقیت و تفکر انتقادی را در دانش آموزان پرورش دهد، ضروری است و مؤلفین می‌توانند از متونی که بتواند تفکر واگرا و تفکر ارزشیاب را افزایش دهد، استفاده کنند.

پیشنهادها:

1- در محتوای کتاب به تفکر واگرا که اساس خلاقیت و نوآوری در نظریه گیلفورد است، کمتر توجه شده است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود در کتاب فارسی پایه ششم، محتوایی تدوین شود که دانش آموزان بتوانند ایده‌های بیشتری درباره موضوع خلق کنند و تعداد جواب، عقاید و اظهار نظر بیشتری درباره شیء یا واقعه‌ها ارائه دهند تا تفکر خلاق آن‌ها پرورش یابد. در این کتاب باید پرسش و تکالیفی ارائه شود که دانش آموزان را به فعالیت بیشتری وادار کند تا ضمن پرورش توانایی نوآوری و ایجاد فکر جدید، توانایی فکر کردن به راه‌حل‌های غیر معمول و غیر عادی جدید را مورد توجه قرار دهند.

2- با توجه به اینکه هم در محتوی و هم در پرسش‌ها به تفکر ارزشیاب خیلی کم توجه شده است و از آنجا که تفکر ارزشیاب یکی از شاخص‌های بسیار مهم مورد توجه و تأکید نظریات جدید انتقادی حال حاضر به خصوص در حوزه آموزش و یادگیری است، توصیه

می‌شود که در تجدیدنظر کتاب درسی فارسی پایه ششم، محتوایی ارائه شود که دانش آموزان با در نظر گرفتن جوانب مختلف موضوع بتوانند، درباره کفایت و شایستگی مباحث به داوری بپردازند تا تفکر ارزشیاب در آنان پرورش یابد.

3- در نهایت بسیار ارزشمند است که پژوهشی تطبیقی در رابطه با محتوای کتب با کشورهای دیگر که در زمینه پرورش خلاقیت و تفکر ارزشیاب به صورت موفق عمل کرده‌اند انجام گیرد تا ضمن شناسایی اصول و ضوابط انتخاب محتوای خلاق و ارزشیاب، بتوان تجربیات این کشورها را در تدوین کتب درسی مورد توجه قرار داد.

منابع

- پیرخائفی، علیرضا. (1379). پرورش خلاقیت. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان. تهران: مرکز آموزش از راه دور. انتشارات یادواره کتاب.
- جهانگیر، عطیه. (1390). بررسی تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی پایه چهارم ابتدایی بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- رجبی باغدار، علی. (1377). بررسی تطبیقی محتوای کتاب فارسی سال‌های اول تا سوم دوره ابتدایی با شاخص‌های گیلفورد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- رحمتی، احمد. (1390). تحلیل محتوای کتاب فارسی بخوانیم و بنویسیم پایه اول ابتدایی بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سام خانیان، محمد ربیع. (1387). خلاقیت و نوآوری در سازمان آموزشی (مفاهیم، نظریه‌ها، تکنیک‌ها و سنجش). تهران: انتشارات آگاه.
- سرداری گرده، باقر. (1381). بررسی تحلیلی محتوای کتب درسی در رابطه با اعمال ذهنی و شاخص‌های خلاقیت گیلفورد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سلیمی، لیلا و عصاره، علیرضا. (1392). تحلیل محتوای کتاب درسی علوم تجربی سال دوم راهنمایی بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره دوم، شماره 4، بهار 9.
- سیف، علی اکبر. (1387). روانشناسی پرورشی. تهران: انتشارات آگاه.

شعبان‌زاده چماچمائی، حمید. (1384). بررسی تحلیل محتوای کتاب‌های فارسی پایه دوم ابتدایی بر اساس عوامل خلاقیت گیلفورد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

شهمیر، سامیه. (1990). تحلیل محتوای کتاب دروس علوم دوره راهنمایی از دیدگاه الگوی آموزش خلاقیت پلسک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی. عصاره، علیرضا. (1389). مطالعات تطبیقی آموزش و پرورش دوره اول متوسطه در کشورهای منتخب.

فلاح تفتی، سعیده. (1386). بررسی شیوه‌های پرورش خلاقیت در دانش‌آموزان از دیدگاه معلمان ابتدایی شهر تهران و ارائه الگوی خلاقیت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.

کلیجی، مسعود اسلامی و ابراهیمی مته کلایی، رضا. (1390). تحلیل محتوای کتاب درسی ریاضی پنجم ابتدایی از دیدگاه الگوی خلاقیت گیلفورد. سومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی مطالعات اجتماعی و فرهنگی، اصفهان. مهدوی پور، محمدرضا. (1387). تحلیل محتوای کتاب شیمی نظام متوسطه از نظر تطبیق با عوامل خلاقیت گیلفورد و مهارت حل مسئله گانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

Fernandes, A. A., da Silva Vieira, S., Medeiros, A. P., & Natal Jorge, R. M. (2009). Structured methods of new product development and creativity management: A teaching experience. *Creativity and Innovation Management*, 18(3), 160-175.

Gamlath, S. L. (2008). Creativity in Teaching and Learning: A Global Economic Perspective.

Sternberg, R. J. (2003). *Wisdom, intelligence, and creativity synthesized*. Cambridge University Press.

Williams, F. E. (1969). Models for encouraging creativity in the classroom by integrating cognitive-affective behaviors. *Educational Technology*, 9(12), 7-13.

Wolk, S. (2007). why go to school.648-658.elsegundomiddleschool.edlioschool.com/.../Wolk-Why%20Go%20To%